گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۴۸۲۴
دوشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۰ ۱۶:۴۰

یادداشتی از حمزه صفربیگی استاد دانشگاه؛

واکاوی منظومه فکری حاج قاسم، تنها راه شکل گیری تمدن اسلامی

فعال فرهنگی و سیاسی در مورد شهید سلیمانی نوشت:وی با شهادتش، روح ایثار را در جهان دمید و انعکاس نور وجودش محدود به میهن عزیزمان نبود آنسوی مرزها نیز به عنوان چهره ای اسطوره ای، اسلامی و ایرانی شناخته شد.

به گزارش خبر، حمزه صفربیگی؛ استاد دانشگاه در یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع " واکاوی منظومه فکری حاج قاسم، تنها راه شکل گیری تمدن اسلامی" آورده است

چگونه ممکن است که تفکرات حاج قاسم سلیمانی، مبدل به مکتبی انسان ساز و قهرمان پرور شود؟ مگر غیراز این است که حاج قاسم، دل از خویشتن خویش نهاد و ظرفیت وجودیش روز به روز باعظمت شد تا بدانجا که تفکراتش، فراتر از مرز و زمان و وعده و حاجت شد؟

شهید دلها، راهش روشن بود، مردی بی ادعا و عاشق شهادت که نور وجودش مزین بخش مسیری سخت بود و پربلا. او مصداق بدیهی این شعر از حافظ است" عاشقی، شیوه رندان بلاکش باشد". به حق، شخصیتی که ذره ذره وجودش در صراط مستقیم گام بر می داشت، به مقامی از خودشناسی نائل آمده بود که گویی ملک مقرب و همنشین خدای تعالی بود چرا که "من عرف نفسه، فقد عرف ربه".

معنویت، ساده زیستی، تواضع، ولایتمداری، شجاعت، عقلانیت، دلسوزی برای خلق مظلوم، شهادت‌طلبی و مقاومت را نباید صرفا واژه هایی برای وصف یک قهرمان در نظر گرفت بلکه هر کدام از این صفات، خشتهای سازنده ی یک مکتب انسان پرور هستند. وی حتی با شهادتش نیز، روح ایثار را در جهان دمید و انعکاس نور وجودیش، محدود به میهن عزیزمان نبود و آنسوی مرزها نیز، به عنوان چهره ای اسطوره ای، اسلامی و ایرانی شناخته شد.

سردار دلها تنها به اعتلای دین مبین اسلام می اندیشید و با تجربه و تسلطش بر رزم مقدس، به دست درازی وقیحانه دشمن مزدور پایان داد تا راه را برای شکل گیری تمدن اسلامی باز کند. دشمنان خوب حاج قاسم را فهمیده بودند. عمق نفوذ راهبردی این فرمانده در جغرافیای مقاومت بی بدیل بود. ایشان یک رهبر در قامت تمدنی نوین اسلامی بودند. در میدان نبرد و عمل، قوت قلبی بود برای خلق ستمدیده. میدان دفاع مقدس، میدان مبارزه با اشرار مسلح و سرانجام میدان مبارزه در عرصه فرا مرزی و منطقهای در جغرافیای جبهه مقامت. زمان شناسی، اولویت شناسی، مسئله شناسی و جبهه شناسی از چهار عنصری هست که این فرد را در میدان متفاوت کرده است.

حاج قاسم سیاسی ترین فرد در نظام بود. ایشان سیاست را در قامت تمدن اسلامی تعریف کرده بود و فراتر از مرزها، حزب ها، شخص ها و دولت ها فکر می کرد. فردی تمدنی بود، سیاست با اخلاق، با اخلاص، علوی و سیاست در راستای فرمایشات ولی امر مسلمین جهان همه یکجا بر قامت روح او نقش بسته بودند.

سردار دلها در فرازی از وصیت نامه اش نوشته است:" در مسائل سیاسی، ولایت فقیه را بر سایر امور ترجیح دهید. " ولایت مداری نقطه شروع عشق به جهاد در راه اسلام بود. خط مشی فکری او، تنها و تنها حزب الله بود بدین شرط که ولایت مدار باشد و جوینده راه حق.

راهی که سردار دلها آغاز نمود، راهی است بی پایان چرا که همه چیز تازه، بعد از شهادتش شروع می شود، هر انسان آزاده ای، به این راه و مسیر در مکتب حاج قاسم می پیوندد، آزادگان بسان قطره ها با هم متحد می شوند و دریای معرفت مکتب راستین حاج قاسم در سراسر جهان جاری و ساری می شود. وقتی شاگرد مکتب حسین بن علی(ع) باشی، تازه بعداز شهادت در کربلا راه تو آغاز می شود. تازه بیشتر شناخته می شوی. چه خوب فهمیده اند شهید حاج قاسم سلیمانی از خود حاج قاسم برایشان خطرناک تر است آنقدر که بردن نام و تصویر سردار، نه تنها در دنیای واقعی، بلکه در فضای مجازی نیز لرزه بر وجودشان می اندازد و گرنه چه دلیل بود برای این حجم از ممنوعیت، به رغم آزادی بیانی که همیشه فریاد می زنند!؟

نابجا نیست اگر بگوییم، دشمنان پست و بی هویت، با به شهادت رساندن حاج قاسم، برخلاف تصورشان، شروع کننده ی راهی بودند که تا ابد پابرجاست وبا دست خود، تیشه بر ریشه ی تفکرات مسموم خود زدند چرا که حاج قاسم، تنها یک جسم زمینی نبود که به خاک مطهر سپرده شود بلکه او خود به تنهایی، یک مکتب، اسوه و قهرمانی جاودان است که تا هزاران سال پس از شهادتش نیز، حتی یادش، دشمنان فرومایه را روز به روز به عزلت می کشاند.

به اعتقاد سردار شهید، باید حلقه های مقاومت اسلامی را در سراسر جهان تقویت کرد و منطقه جدیدی ساخت تا از شر سیاستهای تجاوزگرانه شرق و غرب مصون بماند. نقش مکتب حاج قاسم در پیوند دادن حلقه های مقاومت سرنوشت ساز است و با بهره گرفتن از درسهای مکتبش هم باید به خودباوری رسید و هم امنیت در دنیای اسلام را برقرار نمود. همانطور که هنوز هم ابتکار عملش با طرح تئوری "مدافعان حرم" به فرهنگی والا تبدیل شد.

این روزهای سرد، بیش از پیش یادآور پرواز سردار دلهاست و دلتنگیمان را یادمان می آورد، دلتنگی برای یک انسان شریف، صالح، دلسوز و دلتنگی برای کلام گرم و روشنگرش. حاج قاسم یک شخصیت نبود بلکه الگوی جهانی بود. ما باید بدور از احساسات و هیجانات فضای مجای، ابعاد و سیره علمی و

عملی این شاخص انقلاب را واکاوی کنیم. سالها باید کار کرد تا این شاگرد مکتب امامین انقلاب را شناخت. رهبر عزیز انقلاب در وصف حاج قاسم چنین فرمودند: " شهید حاج قاسم ملی ترین و امتی ترین شخصیت ایران و دنیای اسلام بوده و هست. " بنابراین، می بایست این مکتب و منظومه والای فکری را همه گیر کرد و به دیده یک ضرورت آن را نگریست.